

دادگاه امنیتی آنکارا: جمهوری اسلامی تروریست است!

بهرام رحمانی

bamdadpress@telia.com

بنا به گزارش روزنامه‌های ترکیه، دادگاه آنکارا، پس از پنج سال تحقیق و بررسی در مورد پرونده موسوم به «امید»، روز شنبه ۱۷ دسامبر ۲۰۰۵، رای داد که رژیم جمهوری اسلامی، مستقیماً در ترور روشنفکران لائیک ترکیه، نقش داشته است. روزنامه پرتیراز حریت، در این مورد نوشت: ایران مرکز ترورهای اسلامی است. روزنامه صباح نوشت: دادگاه امید، در حکم نهایی خود انگشت اتهام را به سوی ایران نشانه رفته است. روزنامه اورنسل نیز نوشت: واقعیت‌های عملیات «امید»، برملا شد. با حکم نهایی شعبه ۱۱ دادگاه امنیتی آنکارا، روشن شد که ایران، همواره از تروریسم بر علیه ترکیه استفاده کرده است. گروه‌های اسلامی تروریستی، رسماً توسط سپاه پاسداران ایران، آموزش دیده‌اند... در دادگاه امنیتی آنکارا، گفته شده است که اهداف نهایی سازمان‌های اسلامی «توحید سلام» و «ارتش قدس»، یکی است. سلام توحید، در کنار فعالیت‌های اقتصادی، برای فعالیت‌های نظامی نیز زمینه‌سازی می‌کند، اما کسانی که مستقیماً فعالیت‌های نظامی را انجام می‌دهند در درون ارتش قدس قرار دارند. این دادگاه اعلام کرد که کارا حسن کلیچ، محمدعلی تکین، مظفر داغ‌دویرن، فاتح آیدین محمد شاهین، تروریست‌هایی هستند که به ایران گریخته‌اند. همچنین در رابطه با عملیات «امید»، ۱۷ نفر زندانی و ۱۱۱ نفر نیز مورد بازجویی قرار گرفته است.

تحقیقات و بررسی‌های عملیات «امید»، درباره ترور اوغور مومجو، روزنامه‌نگار، پروفیسور احمد تائر کیشلالی، پروفیسور معمر آکسوی و دکتر بحریه اوچوک و... سال‌ها در جریان بود. تاکنون تعدادی از تروریست‌های وابسته به گروه‌های اسلامی ترکیه، که در ایران آموزش‌های تروریستی دیده و با حمایت مالی جمهوری اسلامی به ترکیه اعزام شده‌اند، توسط پلیس ترکیه دستگیر و حتی به روابط خود با رژیم جمهوری اسلامی نیز اقرار کرده‌اند. اما ملاحظات و منافع اقتصادی و دیپلماتیک دولت ترکیه، هر بار مانع پیگیری جدی علیه این ترورها بوده است. اعلام رای دادگاه در حال حاضر نیز بی‌تاثیر از فضای عمومی که بر علیه جمهوری اسلامی و به ویژه موضع‌گیری‌های فاشیستی اخیر احمدی‌نژاد و فعالیت‌های اتمی و نقض حقوق بشر و... توسط دولت‌های غربی و جوامع بین‌المللی در جریان است، نمی‌باشد.

در حکم نهایی دادگاه امنیتی آنکارا، چنین آمده است: عاملان دستگیرشده قتل روشنفکران که شهروندان ترکیه هستند، وابسته به دولت جمهوری اسلامی بوده و به طور سازمان‌یافته دست به این قتل‌ها زده‌اند. این دادگاه که ابتدا در شعبه شماره دوم امنیت و سپس در شعبه ۱۱ دادگاه آنکارا به پرونده قتل روشنفکران ملی و لائیک ترکیه رسیدگی می‌کرد، سرانجام بعد از ظهر روز دیروز شنبه ۱۷ دسامبر، حکم نهایی خود را صادر کرد.

دادستان دادگاه آنکارا، در قرائت حکم نهایی گفت: ایران، از زمان روی کار آمدن آیت‌الله خمینی، به عنوان موسس حکومت اسلامی، که نتوانست در سطح بین‌المللی به اهداف خود نایل آید، به نازل‌ترین و پرصداترین پدیده که تروریسم است، روی آورد. در این دادگاه تاکید شد که جمهوری اسلامی، به طور واضح و آشکار علیه ترکیه، ترور را به کار گرفته و در این میان گروه‌های کوچک اسلامی را ایجاد کرده تا توسط آن‌ها به اهداف خود برسد.

چندی پیش نیز دیده‌بان حقوق بشر با انتشار گزارش مفصلی وزیران کشور و اطلاعات جمهوری اسلامی را به جنایت علیه بشریت متهم کرد، دو روز بعد از آن، آیت‌الله منتظری با استناد به خاطرات و مکاتبات وی، تایید کرد که مصطفی پورمحمدی، وزیر کشور کنونی ایران را مسئولان اعدام دسته‌جمعی زندانیان سیاسی در سال ۱۹۸۸ می‌داند. مصطفی پورمحمدی، از سال ۱۹۹۰ تا ۱۹۹۹ رییس اطلاعات خارجی، معاون و قائم مقام وزارت اطلاعات که اعدام دسته‌جمعی زندانیان

سیاسی در پاییز سال ۱۹۸۸ انجام گرفت، در دوران مسئولیت او رخ داد. در مورد غلامحسن اژدهای، وزیر اطلاعات دولت محمود احمدی‌نژاد، در گزارش دیده‌بان حقوق بشر آمده که او، به عنوان دادستان ویژه روحانیت و همچنین رییس مجمع قضایی کارکنان دولت که رسیدگی به جرایم مطبوعاتی را بر عهده داشت یکی از چهره های کلیدی و اصلی پیگرد و بازجویی از روحانیون «اصلاح‌طلب» و سیاستمداران و همچنین سرکوب آزادی مطبوعات در ایران بوده است.

در رابطه با فعالیت‌های تروریستی جمهوری اسلامی در ترکیه، توجه علاقمندان را به مطلب زیر که در واقع فصل چهارم کتاب «مجموعه اسنادی در رابطه با فعالیت‌های تروریستی جمهوری اسلامی ایران» است، جلب می‌کنم. این کتاب در ماه مه سال ۱۹۹۳، به قلم همین نویسنده «بهرام رحمانی»، چاپ و منتشر شده است.

فصل چهارم: ترور اوغور مومجو، نویسنده و روزنامه‌نگار مشهور ترکیه و اقدامات تروریستی جمهوری اسلامی در آن کشور

ترکیه از لحاظ نزدیکی و همسایگی با ایران، برای جمهوری اسلامی از دو جنبه حائز اهمیت است. از یک طرف کمک به جریان‌های مذهبی و به ویژه گرایش بنیادگرا و سازمان‌دهی یک حرکت اسلامی شبیه ایران، از طرف دیگر سازمان دادن گروه‌های تروریستی برای ترور فعالین و رهبران اپوزیسیون در ترکیه و همچنین استفاده از ترکیه به عنوان «پل» به کشورهای اروپایی. روابط اقتصادی و سیاسی دولتین ایران و ترکیه نیز زمینه مساعدی را برای استقرار تروریست‌های جمهوری اسلامی در این کشور فراهم آورده است.

سازمان‌های تروریستی تحت رهبری جمهوری اسلامی در ده سال گذشته، در خاک ترکیه ده‌ها ترور و جنایت را سازمان داده‌اند. آخرین آن‌ها، ترور اوغور مومجو، نویسنده و روزنامه‌نگار مشهور و مترقی ترکیه بود که بر اثر انفجار بمبی که در ماشین‌اش کار گذاشته شده بود به طور وحشیانه‌ای به قتل رسید. کارشناسان اعلام کردند بمبی که در ماشین اوغور مومجو کار گذاشته شده بود از نوع C - پلاستیکی بوده که فقط در اختیار دولت‌ها و ارتش آنان قرار دارد و تهیه آن برای گروه‌ها تقریباً غیرممکن است. بعد از ترور اوغور مومجو، حرکت وسیعی در ترکیه به وجود آمد که در آن صدها هزار نفر، جمهوری اسلامی ایران و مذهب را محکوم کردند. این اعتراضات زمانی شدت گرفت که «سازمان حرکت اسلامی» ترور مومجو را به عهده گرفت.

اتحادیه‌های کارگری، سازمان‌های سیاسی، شخصیت‌ها و مخصوصاً اتحادیه روزنامه‌نگاران این ترور را به شدت محکوم کردند. همچنین به دولت هشدار دادند که چنانچه دولت تروریست‌ها را پیدا نکند و افکار عمومی را از تلاش‌های خود در این زمینه آگاه نسازد، دولت در ردیف اول اتهام قرار خواهد گرفت. نتیجتاً در اثر فشار اجتماعی دولت مجبور شد در پارلمان، وزارت کشور، پلیس مخفی و شهربانی کمیسیون‌های ویژه‌ای را برای پیگیری واقعه ترور مومجو دایر نماید. مخصوصاً شعارهایی که در این تظاهرات عظیم علیه جمهوری اسلامی ایران و مذهب داده شد، دولت را مجبور کرد که با احتیاط و محافظه‌کاری تمام اعلام نماید که «در پشت وقایع اخیر و ترورهای سال‌های پیش» جمهوری اسلامی ایران قرار دارد.

پلیس ده‌ها نفر را در این رابطه دستگیر کرد. یکی از افراد دستگیر شده بنام «شنول دوریم» است که عضو شبکه اسلامی معروف به «جوخه مرگ» است. پلیس در جستجو از منزل این فرد سلاح‌هایی از قبیل کلاشینکف، هفت تیر، تفنگ‌های دوربین‌دار و بمب‌های مختلف کشف کرد. همچنین گلوله‌هایی که در ترور، دورسون و امچ به کار برده شده بود، در این منزل به دست آمد. پلیس در مورد این شخص اظهار نظر نمود که وی محمدرضا تبریزی، تروریست معروف جمهوری اسلامی است که در چندین ترور دست داشته است. همچنین از منزل وی اسناد جعلی ماشین، دیپلم تحصیلی، پاسپورت، گواهینامه و... به دست پلیس افتاد و دو دستگاه اتومبیلی که وی مورد استفاده قرار می‌داده است دزدی بوده است.

بنا به نوشته روزنامه‌های ترکیه، پلیس مخفی «میت» نیز در جستجوی قاتلین اوغور مومجو، سه نفر را دستگیر کرده است، که آن‌ها در بازجویی‌های اولیه به رابطه خود را پلیس مخفی ایران ساواما اعتراف کرده‌اند. در مخفیگاه این سه تن تعداد زیادی اسلحه و مهمات و انواع مواد منفجره نیز کشف شده است. این سه نفر از اعضای فعال حزب اسلامی ترکیه، حزب اسلامی کردستان و سازمان حزب‌الله هستند که فعالیت آن‌ها در ترکیه مسلحانه و هدف آن‌ها برپایی حکومت جمهوری اسلامی شبیه جمهوری اسلامی ایران است. به همین خاطر این سازمان‌ها از سوی دولت جمهوری اسلامی ایران، مورد حمایت مادی و معنوی قرار می‌گیرند. در ادامه جستجوها مقامات ترکیه اعلام کردند که این سازمان‌ها حدود یکصد دستگاه انواع اتومبیل سواری را فقط در استانبول دزدیده بودند که قرار بود بعد از این که اسناد و مدارک جعلی برایشان جعل کردند آن‌ها را به ایران انتقال دهند.

چند روز بعد از ترور مومجو، چهار تروریست دیگر قصد داشتند یکی از سرمایه‌داران ترکیه به نام «ژاک کامهی» را ترور کنند، ولی از آن جایی که وی با ماشین ضدگلوله حرکت می‌کرد و پلیس نیز او را اسکورت می‌کرد این عملیات ناکام ماند و تروریست‌ها فرار کردند. پلیس ردپای یکی از آن‌ها را تعقیب نمود و او را دستگیر کرد. وی در بازجویی‌های خود به داشتن رابطه با دولت ایران اعتراف نموده و اضافه کرد که عباس قلی‌زاده را آن‌ها دزدیده و به ایرانی‌ها تحویل داده‌اند و آن‌ها نیز بعد از بازجویی او را به قتل رسانده‌اند و در یکی از جنگل‌های حومه استانبول دفن کرده‌اند. عباس قلی‌زاده افسر سابق رژیم شاه بود که در روزهای سال ۱۹۹۲ در نزدیکی‌های منزل‌اش توسط پنج نفر دزدیده شده بود. پلیس به محل واقعه رفت و جسدی را از زیر خاک بیرون کشید که دست‌ها و پاهای او را بسته و آلت تناسلی و دماغ او را بریده و ناخن‌هایش را کشیده بودند و به طرز فجیعی بعد از شکنجه‌های زیاد او را به قتل رسانده بودند. بستگان قلی‌زاده را برای شناسایی جسد به محل واقعه آوردند، اما آن‌ها و از جمله همسر قلی‌زاده اعلام کردند که وی قلی‌زاده نبوده بلکه مربوط به یک ایرانی دیگر است. پزشک قانونی نیز در معاینه جسد اعلام کرد که مقتول بعد از شکنجه‌های زیاد به قتل رسیده است.

همچنین در ادامه تحقیقات و پزشک قانونی معلوم می‌شود که جسد مربوط به اکبر قربانی است که حدود هشت ماه پیش در استانبول ربوده شده بود و تا آن زمان تمام تلاش‌ها برای یافتن او ناکام مانده بود. به دنبال آن سازمان مجاهدین خلق ایران طی تلگرامی به دبیرکل سازمان ملل و نخست‌وزیر ترکیه اعلام کرد که قربانی از اعضای سازمان مجاهدین در ترکیه بوده و توسط تروریست‌های جمهوری اسلامی ربوده شده بود. قربانی در تاریخ ۴ ژوئن ۱۹۹۲ در استانبول ربوده شده بود.

در تاریخ سوم فوریه ۱۹۹۳، «نجدت منزیر»، رئیس پلیس استانبول پیرامون وقایع اخیر به خبرنگاران گفت: جسد (اکبر قربانی) منصور امینی پیدا شد، اما هنوز خبری از عباس قلی‌زاده که ماه پیش دزدیده شده بود به دست نیامده است. به احتمال قوی او را نیز به قتل رسانده‌اند.

در این مورد عصمت سزگین وزیر کشور ترکیه، رسماً اعلام کرد که ۱۹ نفر در ارتباط با سری قتل‌ها و ترورهای اخیر دستگیر شده‌اند که همگی آنان با دولت ایران ارتباط داشته‌اند. اکنون ثابت شده است که تروریست‌های وابسته به ایران چند قتل سیاسی را در ترکیه انجام داده‌اند. آن‌ها متهم

هستند که در ترور چتین امچ خبرنگار و توران دوسورن نویسنده و روزنامه‌نگار و علی‌اکبر قربانی دست داشته‌اند. وزیر کشور ترکیه، تاکید نمود که تروریست‌ها در اردوگاهی مابین قم و تهران آموزش‌های سوءقصد و ترور را تحت حفاظت ویژه‌ای دیده‌اند، و ۳ نفر از کسانی که سازمانده ترورها و قتل‌های اخیر بوده‌اند نیز به ایران فرار کرده‌اند.

روزنامه حریت، دو روز قبل از کنفرانس مطبوعاتی وزیر کشور، به نقل از سلمان دمیرل نخست‌وزیر نوشت: «یک سری وقایعی که منشا آن نیز ایران است ما را با این کشور رودرو قرار داده است. در این‌جا لازم است که جانب احتیاط پیش‌تر رعایت شود. قبل از این که روشن شود که دولت ایران چه نقشی در این وقایع دارد و چقدر در پشت آن است از دست دادن خونسردی خود بی‌معنی خواهد بود. بنابراین ضروری است که با احتیاط تمام قدم برداشته شود.» این اظهارات سلیمان دمیرل، در رابطه با تظاهرات بیش از دویست‌هزار نفری مردم استانبول بود که هنگام عبور از جلو کنسول‌گری ایران عکس‌های اوغور مومجو و مشعل‌هایی را به عنوان اعتراض به دولت ایران در جلو در و دیوارهای کنسول‌گری ایران قرار داده و علیه دولت ایران شعار داده بودند. اواخر ژانویه ۱۹۹۳، روزنامه صباح نوشت: لانه قاتلین کشف گردید. مسجد ایرانیان که در محله «یشیل دیرک» استانبول قرار گرفته است و از طرف تروریست‌های وابسته به حزب‌الله به صورت مرکز مورد استفاده قرار می‌گرفت توسط پلیس استانبول بسته شد.

محمدرضا تبریزی، مسئول عملیاتی «سازمان حرکت اسلامی» در استانبول که از سوی ساواما پلیس مخفی ایران پشتیبانی و حمایت می‌شود نیز در استانبول دستگیر گردید. اکنون معلوم شده که به احتمال قوی ترور اوغور مومجو را طرح‌ریزی کرده و بمب را هم او تهیه کرده است. محمدرضا تبریزی که متخصص ساختن بمب است، به وسیله فردی با نام مستعار «یاشار»، بمب پلاستیکی کار گذاشته در ماشین اوغور مومجو را به آنکارا فرستاده است. افراد عملیاتی این شبکه، یک بمب در طبقه هشتم هتل عتاب مارمارا، کار گذاشته و یک ایرانی را در منطقه اسکودار، به دار آویخته‌اند.

روزنامه جمهوریت، در اوایل فوریه نوشت: سرنخ‌های مختلفی که به دست آمده است نشان می‌دهد که نقطه مشترک ایران است. اما در این مورد یک گره وجود دارد و آن این است که حکومت نمی‌خواهد دولت ایران را به عنوان دولت در مقابل خود قرار دهد. تاثیر دیگری که شك و تردیدها را به سوی دولت ایران متمرکز می‌کند عملکرد دیپلمات‌های ایرانی است. برای نمونه یک دیپلمات ایرانی در ترکیه، درحالی که قصد داشت مجتهدزاده، پناهنده ایرانی را که در صندوق اتومبیل خود مخفی و زندانی کرده بود از ترکیه خارج نماید، در شهر ارزنجان دستگیر شد.

تلویزیون «اینتر استار» ترکیه طی گزارش خبری خود در فوریه ۱۹۹۳، اعلام کرد که دستگیرشدگان معترف‌اند که دو تن از تروریست‌ها که لباس ماموران پلیس ترکیه را به تن داشتند علی‌اکبر قربانی را با این عنوان که پلیس هستند ربودند و سپس او را به «یالووا» منتقل کرده و در یک منزل ویلایی مورد شکنجه‌های شدید قرار دادند. این افراد همچنین در بازجویی‌های خود اعتراف کرده‌اند که در تهران و قم آموزش‌های ویژه تروریستی دیده‌اند.

در چنین فضایی، عبدالله نوری وزیر کشور ایران، به طور غیرمنتظره‌ای به آنکارا آمد و با عصمت سزگین وزیر کشور و عصمت اینونو معاون نخست‌وزیر دیدار و گفتگو کرد. سفر نوری، در این وضعیت حساس به ترکیه حساسیت بیشتری را برانگیخت. یکی از روزنامه‌های سراسری ترکیه در این مورد نوشت: ایران، ترکیه را تهدید می‌کند. روزنامه حریت، در گزارش خود افزود: نوری، در دیدار خود با اینونو و عصمت سزگین گفت زمانی که وزیر کشور ترکیه به ایران آمد آقای رفسنجانی به وی هشدار داده بود که اجازه ندهند تروریست‌ها از خاک کشورشان علیه ایران فعالیت نمایند. همچنین تاکید کرده بود که اگر شما مانع فعالیت این تروریست‌ها نشوید ما جلو آن‌ها را خواهیم گرفت. نوری در این دیدار تاکید کرد که کسانی که علیه ایران فعالیت می‌کنند در ایران پرونده دارند، بنابراین نباید اجازه داده شود آنان به طور آزادانه در اروپا قدم بردارند. آقای عصمت سزگین نیز در این ملاقات با آقای رفسنجانی قول‌های زیبایی داده بودند. اردال اینونو هم در جواب نوری گفت:

ترور يك امر جنایت‌کارانه است. ترور يك جرم جنایی است. ما بر علیه ترور هستیم. عین همین موضع را از همسایه‌های خود انتظار داریم.

در این گفتگوها وزرای دو کشور، گرچه تلاش می‌کنند آداب و رسوم دیپلماتیک را رعایت کنند اما حرف‌های آن‌ها بیان‌گر وقایعی می‌باشد که در آن اولاً، بر سر پناهندگان هر دو کشور حاضر به معامله هستند و ثانیاً، اظهارات وزیر کشور ایران، به طور آشکار نشان می‌دهد که آن‌ها طراح ترور فعالین مخالف خود در ترکیه و کشورهای اروپایی هستند و ابایی نیز از این حرکت تروریستی خود ندارند.

بعد از ملاقات وزیر کشور ایران با همتای ترکیه‌ای خود و معاون نخست‌وزیر آن کشور، خبرنگاران از عبدالله نوری در رابطه با ترور اوغور مومجو و نقش ایران در وقایع اخیر ترکیه سؤال کردند. وی با عصبانیت در جواب خبرنگاران گفت، ایران با این نوع وقایع رابطه‌ای ندارد. هیچ‌کس نمی‌تواند با این تبلیغات تحریک‌آمیز رابطه ایران و ترکیه را خراب کند.

در این میان روزنامه حریت نوشت: ماموران سازمان پلیس مخفی ایران «ساواما» سازمان‌های اسلامی در ترکیه را کمک می‌کنند تا با عملیات مسلحانه، حکومت اسلامی را در ترکیه نیز برپا دارند. همین روزنامه طی گزارشی در دوم فوریه ۱۹۹۳، نوشت: هفته‌ای که اوغور مومجو ترور شد، عبدالله نوری وزیر کشور ایران به آنکارا آمد و سپس سفر خود را ناتمام گذاشت و به تهران بازگشت. چنین سفری توجه همه را به خود جلب کرد. در نتیجه سازمان امنیت «میت»، به طور مخفیانه تحقیقات وسیعی را پیرامون آن آغاز کرد. مخصوصاً در هتلی که نوری و دو نفر از همراهان وی اقامت داشتند، دو نفر به آن‌ها می‌پیوندند و سپس همراه نوری به ایران می‌روند. پلیس در ادامه تحقیقات خود متوجه می‌شود که این دو نفر در هتل اقامت هیئت ایرانی، نوری را ملاقات می‌کنند و همراه وی به ایران می‌روند. همچنین پلیس مشکوک شده است که آیا ۱۱ نفر پرسنل هواپیمای نوری، که او را به آنکارا آورده بودند در بازگشت نیز باز همان افراد هواپیمای او را هدایت کرده‌اند یا آن‌ها نیز در آنکارا جای خود را با افراد دیگری عوض نموده‌اند. بر اساس اظهارات عصمت سزگین، وزیر خارجه ترکیه، نوری يك روز بعد از ترور مومجو به آنکارا آمد، قصد داشت از استانبول نیز در ادامه سفر خود دیدن کند. اما وزارت خارجه با زبان دیپلماتیک او را متوجه می‌سازد که بر اثر ترور مومجو، خشم مردم نسبت به ایران برانگیخته شده است. به همین خاطر احتمال دارد، نوری سفر خود را به استانبول لغو نماید. روزنامه حریت، در گزارش دیگری می‌نویسد که دولت ترکیه از دولت ایران، خواستار استرداد کسانی شده است که به ایران فرار کرده‌اند. این روزنامه می‌افزاید پلیس می‌کوشد ارتباط چهار ایرانی را که هنگام قتل مومجو در ترکیه بودند با این ترور روشن نماید. دو تن از این چهار تن با هواپیمای نوری وزیر کشور به تهران رفتند. اما دو نفر دیگر در يك هتل دستگیر شدند.

روزنامه حریت، در پنجم فوریه ۱۹۹۳، طی گزارشی پیرامون وقایع اخیر نوشت: سلیمان دمیرل، نخست‌وزیر، در يك مصاحبه مطبوعاتی اعلام کرد که ایران در پشت ترورهای اخیر قرار دارد. سلیمان دمیرل، در این مصاحبه مطبوعاتی گفت: سر سازمان ترور به ایران می‌رسد. ترورها را يك سازمان تروریستی به نام «حرکت اسلامی» انجام داده و فعالیت خود را از سال ۱۹۸۵ آغاز کرده است. ما اسنادی در دست داریم که این ادعا را ثابت می‌کند که سر ترورها به ایران ختم می‌شود. به همین خاطر نمی‌توانیم يك چیز ثابت بیان کنیم. آیا در پشت این سازمان تروریستی، دولت ایران به عنوان يك دولت قرار دارد یا نه، هنوز مشخص نشده است. علی‌رغم این‌ها معلوم شده که این سازمان جنایات زیادی را در ترکیه مرتکب شده است.

عصمت سزگین، وزیر امور خارجه ترکیه نیز در يك کنفرانس مطبوعاتی گفت: کسانی که این جنایات را آفریدند با ایران در تماس بودند. وی اضافه کرد که ماموران پلیس مخفی ایران، از خاک ترکیه برای پیش‌برد اهداف خود استفاده کرده‌اند.

روزنامه حریت، در ادامه گزارش خود نوشت: حسن حبیبی، معاون رئیس جمهور ایران، بنا به دعوت قبلی سلیمان دمیرل، قرار است به آنکارا سفر نماید. در این سفر، سلیمان دمیرل لیست

ترورهایی را که پلیس مخفی ایران در ترکیه انجام داده است به حبیبی ارائه خواهد داد. از سال ۱۹۸۵، ترورهایی که صورت گرفته و آخرین آن ترور اوغور مومجو در لیست ردیف شده است. روزنامه حریت، بخشی از این لیست را به نقل از نخست‌وزیری بدین شرح انتشار داده است:

- * ۲۷- ۴- ۱۹۸۵، زیاد سابی، دستیار سرکنسولگری اردن به قتل رسید.
- * ۲۳- ۱۲- ۱۹۸۵، سرهنگ هادی عزیز مرادی یکی از مخالفین دولت ایران به قتل رسید.
- * ۱۹- ۸- ۱۹۸۶، سروان بهروز شاهوردیلو مخالف دولت ایران به قتل رسید.
- * ۲۴- ۱۱- ۱۹۸۶، چهار نفر از منسوبین حزب‌الله که قصد داشتند ۹۷۰۵ کیلو مواد منفجره را وارد ترکیه نمایند، دستگیر شدند.
- * ۲۸- ۸- ۱۹۸۷، یک ایرانی به نام حسین منصوری که با پلیس مخفی عراق همکاری می‌کرده است به قتل رسید و یک عراقی دیگر بنام مانحال محمد فادل نیز به شدت زخمی گردید.
- * ۲۳- ۱۰- ۱۹۸۸، یکی از منسوبین مجاهدین خلق ایران به نام عبدالله مجتهدزاده در صندوق عقب اتومبیلی در شهر ارزنجان توسط پلیس پیدا شد که ربایندگان آن قصد داشتند او را به ایران ببرند.
- * ۲۵- ۱۰- ۱۹۸۸، سکرتر کنسولگری عربستان سعودی بنام عبد یلقان بدوی در آنکارا به قتل رسید.
- * ۱۴- ۱- ۱۹۹۰، در اتومبیل عبدالرزاق کاشمیری سکرتر کنسولگری عربستان سعودی بمب کار گذاشته شده بود.
- * ۳۱- ۱- ۱۹۹۰، پروفیسور معمر آکسوی که طرفدار سیستم لائیک بود در آنکارا به قتل رسید.
- * ۱۲- ۳- ۱۹۹۰، یک گروه که با کنسولگری ایران در ارتباط بودند و قصد داشتند جمهوری اسلامی نظیر ایران نیز در ترکیه به وجود آورند دستگیر شدند.
- * ۱۴- ۳- ۱۹۹۰، محمدرضا اخوان جم طرفدار مجاهدین خلق ایران در استانبول زخمی گردید.
- * ۲۹- ۱- ۱۹۹۱، تاسیسات نظامی آمریکا در شهر ازمیر مورد حمله قرار گرفت.
- * ۲۶- ۳- ۱۹۹۱، الفیصل مسنول تجاری سرکنسولگری عراق زخمی شد.
- * ۲۸- ۱۲- ۱۹۹۱، عبدالله حسین الخرابی، سخن‌گوی سرکنسولگری مصر و یک تن آمریکایی به قتل رسیدند.
- * ۷- ۳- ۱۹۹۲، در اتومبیل مدیر امنیتی سفارت اسرائیل در آنکارا بمب کار گذاشته شد.
- * ۲۴- ۱۲- ۱۹۹۲، بر اثر بمبی که در مسجد عثمان کار گذاشته شده بود خسارت قابل ملاحظه‌ای به وجود آمد.
- * ۲۶- ۱۲- ۱۹۹۲، عباس قلی‌زاده یکی از مخالفین دولت ایران در جلو خانه‌اش ربوده شد.
- * ۲۴- ۱- ۱۹۹۳، بر اثر انفجار بمبی که در ماشین اوغور مومجو کار گذاشته شده بود مومجو به قتل رسید.

رسانه‌های گروهی ترکیه در هفتم فوریه ۱۹۹۳، گزارش دادند که حکمت چتین، وزیر امور خارجه ترکیه، در اجلاس «اکو» در شهر کویته پاکستان، اسناد و مدارک به دست‌آمده از تروریست‌های دستگیر شده و لیست مزبور را به وزیر امور خارجه ایران علی‌اکبر ولایتی ارائه داده است. این رسانه‌ها اضافه کردند: وقتی حکمت چتین لیست ترورها را به ولایتی ارائه داد و از او در این زمینه توضیح خواست ولایتی سکوت کرده و از پاسخ‌گویی سرباز زده و نهایتاً هیچ جوابی نداشت.

بنا به گزارش روزنامه حریت، در دهم فوریه ۱۹۹۳، حسن حبیبی، سفر خود را به آنکارا لغو نمود. علت لغو این سفر در رابطه با ترور مومجو و حوادث بعد از آن بوده است. به دنبال اعلام لغو سفر حبیبی به آنکارا، سلیمان دمیرل یک پیام رسمی به هاشمی رفسنجانی ارسال نمود. حریت در ادامه گزارش خود به نقل از سلیمان دمیرل، می‌نویسد: علت این که با ملاحظه حرف می‌زنیم این است که دوستی آسان به دست نمی‌آید اما به راحتی از دست می‌رود. ما افرادی را دستگیر کردیم که آنان در بازجویی‌های خود اعتراف کرده‌اند که در ایران آموزش دیده‌اند، هرچند که ایران به طور طبیعی اعتراف این گروه را رد کرده است. یک آدرس و شماره تلفن کشف شده است. این آدرس محلی در میدان خراسان است که با تهران ۴۰_۳۰ کیلومتر فاصله دارد، این افراد به آنجا رفته و تحت تعلیم

قرار گرفته‌اند. دلایل این‌ها هستند. امکان دارد به عنوان دولت با این آدم‌ها تماس نداشته باشند، اما چه کسانی هستند که این افراد را آموزش داده‌اند. روشن شدن این‌ها لازم است. سلیمان دمیرل، پیام خود را از طریق حسینیان، وزیر صنایع سنگین ایران به رفسنجانی ارسال داشته است. این پیام در برگرفته مطالب فوق است: بیایید این مسایل را روشن کنیم. برای این کار احتیاج به زمان معینی هست. اگر این مسایل روشن نشود آن موقع حل مسئله شکل دیگری به خود خواهد گرفت. اگر بگویید این‌ها دروغ گفته‌اند، به ایران رفت و آمد نکرده‌اند، اگر به این نتیجه برسید باز هم مسئله دیگری است. اگر بگویید این‌ها به ایران رفت و آمد کرده‌اند ولی مرتکب جنایت نشده‌اند، این هم خودش جواب دیگری است. وظیفه ایران است درباره اسنادی که در میان گذاشته شده با همکاری همدیگر آن‌ها را روشن نماییم تا روابط دو کشور به هم نخورد. نتیجه آن، تلاشی است که به عهده شما می‌باشد. در این‌جا مظلوم واقع شده‌ایم. اگر معاون درجه اول شما به این‌جا می‌آمد خیلی خوب می‌شد... نیامدن ایشان بدین معناست که احساس محکومیت روانی کرده است و نهایت ناراحتی‌های جدیدی را سبب خواهد شد. اگر آقای حبیبی می‌آمد می‌گفتیم درباره اسناد و مدارک فوق چه می‌گویید. ایشان هم جواب‌شان را می‌داد، اما فرصت از دست رفته است.

روزنامه ابرار، چاپ تهران، متعاقب ترور اوغور مومجو و وقایع بعد از آن نوشت، بعد از قتل مومجو، یک حرکت وسیع تبلیغاتی در سطح ترکیه علیه ایران آغاز شده است. راه افتادن چنین تبلیغاتی علیه ایران، حکومت سلیمان دمیرل را تحت تاثیر قرار داده است. این روزنامه، در رابطه با لغو سفر حبیبی به آنکارا نیز نوشت: حسن حبیبی، دیدار رسمی خود را از آنکارا که قاعدتا باید دیروز آغاز می‌شد لغو نمود. احتمال دارد که چنین تصمیمی سرآغاز فشار سیاسی و اقتصادی ایران بر علیه ترکیه باشد. لازم است در رابطه با وقایع اخیر، دولت ترکیه به طور رسمی از ایران عذرخواهی نماید.

روزنامه جمهوریت، چاپ ترکیه، در تاریخ ششم ژانویه ۱۹۹۳، در گزارشی تحت عنوان «مسجد را به لانه تروریست‌ها تبدیل کردند»، نوشت: مسجد ایرانیان در محله یشیل دیرک استانبول، به نام مسجد «والده خانم» به علت این که به لانه تروریست‌ها تبدیل شده بود به دستور وزارت کشور بسته شد. روزنامه‌های ترکیه، در مورد بسته شدن این مسجد نوشتند، محمدرضا تبریزی و اعضای دیگر گروه همدیگر را در این مکان ملاقات می‌کردند. این گروه در ترور اوغور مومجو، دست داشته است.

مجله «نکته» چاپ ترکیه، در تاریخ ۱۳ فوریه ۱۹۹۳، نوشت: دستگیرشدگان سه سال است در ترکیه به نام دولت ایران جنایت می‌آفرینند. آیا در عرض این سه سال سازمان‌های پلیس مخفی و پلیس ترکیه نتوانست حضور یک اکیپ جنایتکار دولت ایران در ترکیه را تشخیص دهد. نکند این اکیپ تشخیص داده شد ولی موقعیت مناسبی برای دستگیری آنان بوجود نیامد. آیا این‌ها تروریست‌های وابسته به دولت ایران هستند؟ یا قاتلینی هستند که در مقابل دریافت پول آدم می‌کشند؟ دستگیرشدگان به اقدامات تروریستی خود علیه اپوزیسیون دولت ایران در ترکیه اعتراف کرده‌اند. ولی این تروریست‌ها چرا ترکیه‌ای‌ها را نیز می‌کشند؟

روزنامه جمهوریت، در تاریخ ۶ فوریه ۱۹۹۳، طی گزارشی پیرامون حزب‌الله نوشت: عصمت سزگین، وزیر کشور فاش کرد که افراد دستگیر شده اعتراف کرده‌اند در پایگاهی بین قم و تهران از دو تا چهار ماه تعلیم دیده‌اند. این روزنامه، در گزارش خود اضافه می‌کند: به دنبال اظهارات وزیر کشور، حساسیت‌های زیادی متوجه ایران شد. آیا در این پایگاه‌ها چه می‌گذرد؟ این پایگاه‌ها چه موقع تاسیس شده‌اند؟ سپس جمهوریت، در ادامه گزارش خود در پاسخ به این سؤالات می‌نویسد: بعد از آغاز جنگ ایران و عراق، دولت ایران برای آموزش سپاه پاسداران انقلاب به بازگشایی این پایگاه‌ها شروع کرده است. بخشی از جوانانی را که تحت عنوان «پاسداران انقلاب» آموزش می‌داد به سوی آموزش‌های ویژه عملیات تروریستی متمایل نمود و به عنوان چریک‌های شهری تحت تعلیم قرار داد. برای این منظور پایگاه ویژه‌ای را در سال ۱۹۸۰، در جنوب تهران بنیان گذاشت.

سپس جوانانی را که سن آنان بین ۱۸ تا ۲۵ بود، برای آموزش‌های تروریستی خارج از کشور نیز تعلیم داده شده و آنان جهت ترورهای خارج از کشور آماده و اعزام کردند. آخوندهایی که فرماندهی و مدیریت این پایگاه‌ها را به عهده داشتند به اندازه آموزش‌های نظامی، آموزش‌های دینی نیز به این جوانان می‌دادند. هدف از آموزش‌های ویژه نظامی و مذهبی این بود که آنان را جدا از جنگ‌های چریکی معمولی به سطح کماندوهای حرفه‌ای آماده به مرگ برسانند. هدف دیگر ملاها از آموزش‌های دینی آماده کردن ذهن این جوانان برای کشتن و کشته شدن بود. بعدها پایگاه‌های زیادی باز شد. جوانانی که در این پایگاه‌ها آموزش‌های خود را به پایان می‌رسانند در اولین اقدام در عملیات شهری بر علیه مخالفین رژیم، کمونیست‌ها و مذهبی‌ها شرکت می‌جستند. از ۱۹۸۲، کسانی که در این پایگاه‌ها آموزش عملیات تروریستی برون‌مرزی را به پایان رسانده بودند اعزام‌شان به خارج آغاز شد. اعزام‌شدگان نخست در عمق خاک عراق، در پشت جبهه و داخل عراق علیه رژیم آن کشور دست به اجرای عملیات تروریستی و خرابکاری زده و سپس در لبنان با اقدامات تروریستی را مورد تعقیب قرار دادند. علاوه بر اعزام افراد آموزش دیده در خاک ایران به لبنان، پایگاه‌هایی را نیز در لبنان تاسیس نمودند که جوانان شیعه لبنانی را تحت تاثیر و آموزش قرار بدهند. در پایگاه‌های موجود در ایران، تنها جوانان ایرانی نبودند که تحت آموزش قرار می‌گرفتند بلکه جوانانی از کشورهای مسلمان می‌آمدند نیز در این پایگاه‌ها زیر نظر ملایان آموزش می‌دیدند.

همچنین دولت ایران، پایگاه‌هایی را نیز در اختیار سازمان‌هایی قرار می‌داد که اسلامی بودن آنان شرط نبود. یکی از این سازمان‌ها یک سازمان ارمنی بنام «آسالا» بود که علیه دولت ترکیه فعالیت می‌کرد. این سازمان تا سال ۱۹۸۴، در آذربایجان غربی دو پایگاه در اختیار داشت. بعد از این تاریخ طی قراردادی که بین دولت ترکیه و ایران بسته شد، این پایگاه‌ها توسط دولت ایران به لبنان انتقال داده شد. این روزنامه، در آخر گزارش خود اضافه می‌کند که دولت ایران، برای صدور انقلاب اسلامی خود به کشورهای دیگر، جوانان زیادی را از ملیت‌های مختلف، از جمله جوانانی از ترکیه را تحت تعلیم آموزش‌های نظامی و مذهبی قرار داده است. روزنامه حریت، در تاریخ ۱۷ فوریه ۱۹۹۳، پیرامون ترور اوغور مومجو نوشت: در رابطه با ترور بحریه اوچوک و توران دورسون، توسط سازمان‌های ارتجاعی سرخ‌های جدیدی پیدا شده و فردی به نام گلبدین گوک، در استانبول دستگیر شده است که در بازجویی‌های خود اعتراف نمود در آنکارا برای اقامت دو نفر با نام‌های مستعار سلیم و علی، منزلی اجاره کرده بود. علی‌رغم این که عکس‌ها و مشخصات این دو نفر در اختیار پلیس و روزنامه‌ها قرار گرفته است اما پلیس موفق به دستگیری آنان نشده است. پلیس در مورد فرار این دو نفر به ایران با احتیاط بیش‌تری مشغول تحقیق است. چون که فردی بنام نجمی ارسلان، مسئول یک سازمان اسلامی در آنکارا که از طرف پلیس مخفی «میت»، دستگیر شده و مورد بازجویی قرار گرفته است در ایران آموزش دیده است. براساس گزارش همین روزنامه، یکی از مسئولین بلندپایه دولت ترکیه فاش کرده است که سازمان‌های اسلامی که در ترکیه فعالیت می‌کنند از طرف دولت ایران مورد حمایت قرار می‌گیرند و توسط سرویس‌های پلیس مخفی ایران رهبری می‌گردند. این سازمان‌ها نام علنی ندارند، اما عملیات خود را تحت عنوان «حرکت اسلامی» انجام می‌دهند.

به دنبال ترور مومجو، عزیز نسین، طنزنویس مشهور ترکیه اعلام کرد که قصد دارد کتاب آیات شیطانی نوشته سلمان رشدی را به ترکی ترجمه و انتشار دهد. به دنبال اظهارات عزیز نسین، روزنامه‌های ایرانی او را تهدید به مرگ کردند. نسین، شب چهارشنبه ۱۷ فوریه ۱۹۹۳، در یک برنامه تلویزیونی شرکت کرد و اظهار نمود بعد از این که روزنامه‌های ایرانی در رابطه با تهدید به مرگ من خبرهایی را منتشر نمودند، تلفن‌های تهدیدآمیز زیادی به من می‌شود. از طرف دیگر به علت این که این کتاب در ترکیه ممنوع شده است، توجه و انتشار آن برای من، بیش‌تر از ممنوعیت آن کتاب سرچشمه می‌گیرد.

روزنامه حریت نیز در تاریخ ۷ فوریه ۱۹۹۳، در رابطه با انتشار کتاب آیات شیطانی توسط عزیز نسین، نوشت: عزیز نسین نویسنده، به شدت از طرف دولت ایران مورد حمله قرار گرفته است.

اخیراً روزنامه‌های ایران عزیز نسین را صهیونیست خوانده و او را تهدید به مرگ کرده‌اند و این روزنامه‌ها از قول مقامات ایرانی نوشته‌اند که با «عزیز نسین نیز مانند آیات شیطانی» برخورد شود.

عزیز نسین، در مصاحبه‌ای با روزنامه ملیت، اتهامات رژیم ایران را رد کرد و اضافه نمود: آن‌ها خودشان بزرگ‌ترین صهیونیست‌ها هستند. نسین، ضمن اشاره به معاملات پشت پرده تسلیحاتی دولت ایران با دولت اسرائیل، اضافه کرد: ملاها و روح آنان سرسپرده صهیونیست‌ها هستند.

روزنامه حریت، در سرمقاله مورخه ۵ فوریه ۱۹۹۳، تحت عنوان «ایران در حین ارتکاب جرم دستگیر شد»، نوشت: بعضی‌ها می‌گویند در اسلام ترور وجود ندارد و کسانی که تحت عنوان اسلامی، جنایت‌های تروریستی را سبب می‌شوند بدین شیوه می‌خواهند اسلام را بدنام نمایند. روزنامه حریت، در ادامه مقاله خود می‌نویسد: وزیر کشور عصمت سزگین، رسماً اعلام کرده است که ترورها را سازمان‌های اسلامی انجام داده‌اند، این سازمان‌ها در واقع سازمان‌های تروریستی اسلامی هستند. از طرف دیگر افراد این سازمان در پایگاه‌های دولت ایران بین قم و تهران آموزش‌های تروریستی و اسلامی دیده‌اند. دولت ایران، مخالفین خود را در ترکیه ترور می‌کند. برای مثال علی‌اکبر قربانی، یکی از فعالین سازمان‌های مخالف دولت ایران را در ۴ ژوئن ۱۹۹۲، دزدیده و دو نفر ایرانی او را در ویلایی در منطقه یالووا مورد بازجویی قرار داده و سپس به شیوه وحشیانه‌ای او را خفه کرده و به قتل می‌رسانند و سپس جسد او را دفن می‌کنند. جسد قربانی، به دنبال اعتراف یکی از افراد سازمان اسلامی که در دزدیدن قربانی شرکت داشت کشف می‌شود. پلیس مخفی ایران به این شیوه تعداد زیادی از پناهندگان ایرانی و دیپلمات‌های خارجی را مورد تعقیب قرار داده و در بعضی مواقع به جان آنان سوءقصدهایی را سازمان داده و تعدادی را به قتل رسانده است. فراتر از آن در یکی از بیانیه‌های رسمی، ارتباط این گروه تروریستی با ترور پروفیسور معمر آکسوی، چتین امچ، توران دورسون و بحریه اوچوک نیز مطرح شده است. این مثال‌ها روشن می‌کند که ادعاهای کسانی که فکر می‌کنند در اسلام ترور وجود ندارد، چقدر پوچ و بی‌معنی است. این افراد يك کمی خجالت بکشند و دیگر جنین بیاناتی را به زبان نیاورند.

اوغور مومجو، طی تشریفات عظیمی به خاک سپرده شد، اتحادیه‌های کارگری، اتحادیه‌های روزنامه‌نگاران، تشکل‌های زنان، حقوق بشر، دانشگاهیان، حقوق‌دانان، نویسندگان و به طور کلی از همه اقشار مردم در يك صف چند کیلومتری، بیش از پانصد هزار نفر شرکت کرده بودند. صف تظاهرات از جلو دفتر روزنامه جمهوریت آغاز شد و در گورستان خاتمه یافت. تظاهرکنندگان در طول تظاهرات شعارهای زیر را سر می‌دادند:

قاتلین مومجو، چریک‌های کنتر هستند؛ سر ارتجاع «چانکایا» است (چانکایا کاخ ریاست جمهوری ترکیه است)؛ ناپود باد حزب‌الله و چریک‌های کنتر؛ به اعدام‌های با محاکمه و بدون محاکمه باید خاتمه داده شود؛ زنده باد برادری ملیت‌های مختلف؛ رسانه‌های گروهی آزاد خفه نمی‌شوند؛ ناپود باد دیکتاتوری فاشیست‌ها؛ ترکیه گورستان فاشیست‌ها خواهد شد؛ با شعار مرگ بر فاشیسم دوش به دوش هم حرکت کنیم؛ چپ متحد شوید؛ ملاها به ایران بروند؛ مرگ بر شریعت ...

زمان برگزاری تظاهرات پلیس و ارتش و ژاندارم در حال آماده باش به‌سر می‌بردند و کنسولگری ایران، دفاتر حزب راست افراطی حرکت ملی «MHP»، حزب رفاه (حزب اسلامی پارلمانی)، دفاتر روزنامه‌های «ملی» و «ترکیه» تحت حفاظت وسیع پلیس ترکیه قرار گرفته بود. در ساعات برگزاری تظاهرات اکثر جاده‌ها و خیابان‌های آنکارا با سیل جمعیت بسته شده بود و عبور و مرور عادی کاملاً به هم خورده بود.